

## برات چیست و سفته کدام است؟

مدتها بود منتظر فرصتی بودم تا مطلبی را با همکاران عزیز در میان گذارم - مطلبی که هر بازرگان یا فرد عادی و هر بانک و هر بانکداری روزمره با آن سروکار دارد و شاید بتوان گفت قسمت عمده‌ای از معاملات مردم و بانک‌ها روی آن انجام میگیرد و آن مسئله برات و سفته است:

قبل از بیان موضوع بهتر دانست که ابتدا بتعریف برات بپردازیم - البته در قانون تجارت فقط شرایط صحت برات ذکر شده ولی تعریفی از آن نکرده است - برات عبارت است از حواله‌ای که شخصی بدیگری میدهد تا شخص دوم وجه آنرا بنفع خود از شخص ثالثی که براتگیر نامیده میشود فوری یا در موعد معین دریافت کند. ممکن است این برات بنفع خود برات دهنده هم صادر شود. البته خوانندگان گرامی باید توجه داشته باشند که حواله خود مبحثی خاص در قانون مدنی دارد که تابع قانون تجارت نبوده و مربوط به بحث فعلی ما نیست و اگر در تعریف برات کلمه حواله بکار رفت، فقط برای تفهیم مطلب است والا قانوناً برات حواله است و لسی تابع مقررات حواله که در قانون ذکر شده نیست و بحواله نیز نمیتوان نام برات گذارد. مسئله مهم در این بحث اینست که آقایان بازرگانان و افراد عادی و مسئولین بانک و کسانی که هر روز سروکارشان با سفته و برات است متوجه باشند که برات یا سفته چیست و چه شرائطی باید داشته باشد. طبق قانون تجارت ورقه برات باید شرائطی داشته باشد که در صورت نبودن آن شرایط از لحاظ قانون تجارت نمیتوان آنرا برات تجارتي نامید از جمله شرایط اینست که امضاء یا مهر برات دهنده را داشته و کلمه برات و تاریخ تحریر با تمام حروف با روز و ماه و سال و مبلغ برات باتمام حروف در آن قید و همچنین نام و نام خانوادگی کسی که باید وجه برات را تأدیه کند و تاریخ پرداخت آن و محل پرداخت و نام و نام خانوادگی کسی که باید وجه برات باو پرداخته شود و اینکه براتی که نوشته میشود نسخه اول است یا دوم یا

سوم یا چهارم الخ در متن برات تصریح شود.

بنابراین وقتی بشما براتی ارائه میشود کاملاً دقت فرمائید و ببینید تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته شده یانه - نام کسی که وجه برات را باید بدهد و کسی که باید وجه برات را بگیرد در برات قید شده؟ آیا محلی که باید وجه برات تأدیه شود معلوم است یانه؟ اگر هر یک از مشخصات فوق معلوم نبود از قبول برات خودداری کنید مخصوصاً توجه داشته باشید که هر نوع قلم خوردگی و اصلاح در برات باید بامضای برات کش و دارنده برات (کسی که برات بنفع او صادر شده) برسد. اگر فرضاً خواستند تاریخ پرداخت را قدری بعقب ببرند باید باتوافق صادرکننده و دارنده و براتگیر (مدیون) باشد والا اگر مثلاً دارنده برات بکسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویسهای ماقبل خود و برات دهنده که بمهلت مزبور رضایت نداده حق رجوع نخواهد داشت.

لازم نیست برای انتقال برات مطلبی پشت آن نوشته شود همینکه دارنده برات ظهربرات را فقط امضاء نمود و بدیگری داد شخص اخیر صاحب برات خواهد بود. بدنیست بدانید که امضات ظهرفسفته یا برات باید بوسیله دارنده یعنی طلبکار انجام شود تا انتقال آن بدیگری مسلم و دارنده فعلی قائم مقام دارنده قبلی شود. اما اگر کسانی که برات در وجه آنها صادر نشده یا کسانی که سفته بنام آنها نیست خلاصه اگر اشخاص بیگانه و ثالث امضائی در ظهرفسفته یا برات کنند عمل لغوی بوده و هیچگونه تأثیری بنفع دارنده برات یا سفته ندارد بعبارت دیگر امضات اشخاص بیگانه الزام آور نیست مگر آنکه آنها در اسناد مزبور صریحاً ضمانت پرداخت وجه سفته یا برات را بنمایند. ضمناً توجه داشته باشید که تمام امضاکنندگان برات چه صادرکننده چه قبولکننده و چه ظهرنویسها همه در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند یعنی دارنده برات میتواند بهر یک از آنها بخواهد منفرداً یا مجتمعاً مراجعه و یا علیه آنها اقامه دعوی نموده و وجه برات را مطالبه و دریافت نماید.

آقایان مسئولین بانکها و مردم باید بدانند که همینکه سررسید پرداخت برات یا سفته رسید و بدهکار وجه برات یا سفته را نپرداخت حساب ده روز را داشته باشند که باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده آنها پرداخت کنند یعنی به عدم پرداخت متعهد اعتراض نمایند. البته باید اعتراض بشخص متعهد بشود و اگر احیاناً روز آخر ده روز تعطیل بود روز بعد از تعطیل هم حق اعتراض دارند. حسن این اعتراض این است که اگر بازهم بدهکار در پرداخت بدهی خود تعلل نمود میتواند بكمك همان ورقه پرتست (اعتراض عدم تأدیه) اموال متعهد سفته یا هر يك از ظهرنویسان را معادل طلب تأمین نمود و اگر هر يك از آنها در هر جا و نزد اشخاص وجوه نقدی داشته باشند میتواند آنها بنفع دارنده برات یا سفته تأمین کرد.

#### سفته

سفته در قانون تجارت بنام «فته طلب» نامیده شده لکن بمرور در سنوات اخیر کلمه سفته جایگزین «فته طلب» شده است. کلمه «فته» همان پته بمعنای «جواز» است

و فته طلب که اسم مرکب است و «ف» و «ت» آن باید با فتحه تلفظ شود همان پته طلب (پ ت) یعنی جواز و سند طلب است - اما کلمه سفته تلفظ صحیحش بفتح سین است ولی گاهی با ضم سین نیز ادا میشود ولی هیچگاه نباید آنرا با کسر «س» تلفظ کرد زیرا کلمه سفته با کسر «س» معنای دیگری دارد که اصلاً مربوط به سفته مذکور در قانون تجارت نیست. بهر حال سفته یا فته طلب طبق تعریفی که قانون تجارت از آن نموده عبارت است از سندی که بموجب آن امضاکننده تعهد میکند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا بحواله کرد آن شخص کارسازی نماید.

سفته علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ بوده و مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف و نام گیرنده وجه و تاریخ پرداخت در آن نوشته شود.

فرقی که بین سفته و برات در قانون تجارت پیش بینی شده اینست که اگر در برات تاریخ تحریر یا نام کسی که باید برات را تأدیه کند یا مبلغ برات و یا تاریخ تأدیه وجه برات و محل پرداخت وجه برات و یا اسم کسیکه برات در وجه یا حواله کرد او پرداخت میشود یا ذکر نسخه اول و دوم و سوم قید نشده باشد چنین براتی مشمول مقررات بروات تجارتي نخواهد بود اما قانونگذار در مورد سفته هایی که فاقد مشخصات مذکور باشد ساکت است و چیزی در خصوص اعتبار یا بی اعتباری آن نقل نکرده است - سواى مطالب فوق کلیه نکاتی که در باب برات راجع به شرایط و اعتبار آن و مسئولیت امضاءکنندگان و ظهرنویسان در مقابل دارنده برات و پرتست در موعد ده روز بیان شد عیناً در مورد سفته نیز جاری و ساری است. بطور خلاصه هرکس سفته ای در دست داشته باشد مثل دارنده برات میتواند وجه سفته را از متعهد و هر یک از ظهرنویسان منفرداً یا مجتمعاً مطالبه و هر کدام از آنها در پرداخت وجه سفته خودداری کند دارنده سفته حق طرح دعوی علیه آنها و مطالبه خسارات وارده را دارد.

این نکته نیز لازم است گفته شود که چنانچه کار بطرح دعوی کشید در مورد برات یا سفته دادگاه بدهکار را علاوه بر اصل وجه سفته او را بپرداخت خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ وخواست بمیزان ۱۲٪ در سال و سایر خسارات دادرسی محکوم میکند.

خوانندگان گرامی کاملاً متوجه باشند که هیچوقت سفته یا برات دست خورده یا قلم زده و سیاه شده و مخدوش را قبول نکنند. سفته یا برات باید دارای مشخصاتی کاملاً روشن و بدون ابهام و صریح و قاطع باشد مثلاً اگر روزی متعهد سفته ای که ظهرنویس دارد با موافقت دارنده سفته بخواهد تاریخ پرداخت را فرضاً یکی دو ماه عوض کند و بتأخیر اندازد ولو متعهد و دارنده سفته راضی باشند قانوناً این عمل علیه ظهرنویس که موافقتی در این کار نداشته تأثیر ندارد و چه بسا اگر موافقت ظهرنویس هم جلب نشود نتوان در تاریخ معین اعتراض عدم تأدیه نمود و یا طبق ماده ۲۸۶ قانون تجارت در ظرف سه ماه علیه ظهرنویس یا ظهرنویسان اقامه دعوی کرد.

از جمله نکاتی که رعایت آن برای مسئولین امر ضروری است اینکه در موقع قبول سفته توجه کنند که نشانی متمهد بسیار روشن و صحیح باشد یعنی حتماً باید شهر مربوط و خیابان و کوچه و بخصوص شماره پلاک آبی شهرداری در سفته یا برات در محل خود قید شود.

نمیدانم آیا شما خواننده عزیز اطلاع دارید که عدم رعایت همین نکته که شاید بنظرتان خیلی کوچک و غیر قابل توجه میآید در سال برای دارندگان اسناد تجارتي چقدر گران تمام میشود.

بدنیست توضیحی در اینخصوص داده شود توضیح اینستکه اگر نشانی بدهکار یا ظهرنویسان روشن و صحیح نباشد و بعلت استنکاف آنها از پرداخت بدهی دارنده برات یا سفته ناچار از طرح دعوی شود قطعاً مأمور دادگستری که باید نسخه ثانی دادخواست را بشخص خوانده (متمهد سفته و برات یا ظهرنویسان) ابلاغ کند گزارش میدهد که خوانده در محل معینه شناخته نشد و اگر طلبکار نتواند نشانی صحیحتری از بدهکار بدست آورد ناچار دفتر دادگاه باید طبق تقاضای مدعی برابر ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی دادخواست را بوسیله جراید و روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی به بدهکاران ابلاغ کند. برای اینکار یعنی نشر آگهی در دو روزنامه حداقل باید پنجمزار ریال هزینه پرداخت و اگر بازهم ابلاغی لازم شود دومرتبه باید پول پرداخت و نتیجه به هزینه‌های طلبکار و پرداختی‌های او اضافه خواهد بود اما اگر اشخاص و مسئولین بانکها در موقع قبول اوراق مزبور کمی حوصله بخرج داده بادقت تمام مشخصاتی که در این مختصر قیدشد از جمله نشانی بدهکار را مطالعه و در صورت وجود نقص آنرا برطرف کنند در موقع طرح دعوی مأمور ابلاغ بزودی دادخواست را بطرف ابلاغ و دیگر از جیب مدعی هزینه‌ای برای نشر آگهی پرداخته نخواهد شد و دعوی هم زودتر منتهی بصدور حکم خواهد گشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

